





تجلی خط «مُحَقَّق» بر خطوط «ریحان» و «ثلث» در کتابت قرآن کریم*

عبدالرضا چارنی*
حسنعلی پورمند***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۱۱

چکیده

در آغاز قرن سوم هجری، به خاطر پیچیدگی اشکال و قرائت خط کوفی، خطوطی تازه رشدی ناگهانی یافتند. این خطها که از منشأ مشترکی برخاسته بودند به اقلام سته (قلم‌های شش‌گانه) معروف شدند که عبارت‌اند از: «مُحَقَّق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع، رقاع». روایات گوناگونی در تقدیم و تأخر این خطوط وجود دارد اما به هر جهت این اقلام پایه و اساس خط و خوشنویسی اسلامی را مهیا کردند و تا ابداع خطوط «تعلیق»، «نستعلیق» و «شکسته نستعلیق»، که به دست ایرانی‌ها و در فاصله قرن هفتم تا یازدهم هجری صورت گرفت، هرچه گذشت و هر آنچه خلق و نگاشته شد در همین حدود کلی قلم‌های شش‌گانه صورت پذیرفت، اما سر منشأ همه این قلم‌های شش‌گانه «خط مُحَقَّق» است که به خاطر شکوه و عظمت، اندام درشت، فاصله‌های منظم، یکدست و ساده بودن به این نام شناخته شده است. در این خط هر حرف شکل ثابت و معینی دارد و با حروف دیگر اشتباه نمی‌شود. همچنین کلمات متداخل نوشته نمی‌شود. بدین جهت خطی است واضح و روشن. خط ریحان با فاصله یک قرین بعد و شبیه خط مُحَقَّق پدید آمد به نحوی که آن را «باریک مُحَقَّق» نام نهادند. در این خط همانند خط مُحَقَّق خصوصیتی از «خط ثلث» را نیز می‌توان یافت. خط مُحَقَّق و ریحان در نظر اول شبیه خط ثلث هستند، اما بر اثر دقت تفاوت‌های واضحی در شکل حروف آنها دیده می‌شود. این دو خط تا قرن یازدهم هجری برای کتابت قرآن کریم در ایران و سایر کشورهای اسلامی رواج داشته و به خاطر خوانا بودن یکی از موجبات به کار رفتن این خط بوده است. در این پژوهش آثار خوشنویسی خط مُحَقَّق، ریحان، و ثلث در کتابت قرآن کریم بررسی و به جنبه‌های تفاوت‌ها و تشابهات سه خط مُحَقَّق، ریحان و ثلث و برتری (تجلی) خط مُحَقَّق، هدف اصلی مقاله پیش‌روست و پرسش‌های آن به ترتیب زیر است: ۱. ویژگی اصلی خط مُحَقَّق چگونه است؟ ۲. عامل تأثیر و تجلی خط مُحَقَّق بر دو خط ریحان و ثلث چیست؟

روش تحقیق براساس تاریخی-توصیفی و مبنای گردآوری کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی بررسی شده است و دستاورد حاصل از این تحقیق نمایانگر تأثیر خط مُحَقَّق بر دو خط ریحان و ثلث و مهجوریت خط مُحَقَّق برای ادامه تحقیق و اصلاح اسناد مکتوب است. نتیجه اینکه خط مُحَقَّق مستقیماً از خط کوفی ایرانی گرفته شده است و در درجه اعتبار بعد از خط کوفی است و هیكل و اندام و صورت ظاهری حروف خط ریحان و ثلث (چه در مفردات و چه در ترکیب) تحت تأثیر تنگاتنگ و همنشین خط مُحَقَّق قرار دارد و به همین لحاظ خط مُحَقَّق در کتابت قرآن کریم بر دو خط ریحان و ثلث تجلی نموده است.

واژگان کلیدی

قرآن، خوشنویسی، مُحَقَّق ریحان، ثلث

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در رشته پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «تبیین اصول خط نستعلیق در کتابت قرآن کریم» می‌باشد.

** دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران.
*** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران. (مسئول مکاتبات)

Email: hapourmand@modaress.ac.ir

Email: chareie@shahed.ac.ir

مقدمه

پیوستگی کتابت قرآن کریم با اقلامی چون «مُحَقَّق»، ریحان و ثلث در شروع قرن سوّم هجری موجبات تکوین سه خط متشابه را به وجود آورد. آثار کتابت قرآنی برپایه نگارش «رسم المصحف» (بدون الف) و «رسم الاملاء» (با الف) با سه خط مُحَقَّق، ریحان و ثلث ویژگی‌های متفاوتی دارد. بسیاری از آثار مکتوب قرآنی در کتاب‌های مکتوب تاریخی به جای کلمه «مُحَقَّق» ریحان و یا ثلث ریحانی معرفی شده است. با مطالعه مقدماتی این فرض شکل می‌گیرد که بر خلاف شباهت‌ها و اشتراکات ظاهری تفاوت‌هایی نیز در اندام حروف و کلمات، اعراب‌گذاری و متداخل بودن حروف و کلمات قرآنی وجود دارد که تنها اهل فن این تفاوت‌ها را تمیز می‌دهد و بر اثر شبیه شاکله اصلی خط (شکل ظاهری خط مُحَقَّق) از تاریخ کتابت قرآن کریم به‌عنوان خط مُحَقَّق حذف می‌گردد. ویژگی‌های خط مُحَقَّق صلابت، سادگی ظاهری و ریتم آرام‌بخش آن است و چون خط ریحان از مُشتقات خط مُحَقَّق است ویژگی‌های خط ریحان به‌صورت ریزتر به‌گونه‌ای نمایان می‌شود که آن را نازک مُحَقَّق نامیده‌اند. در تقدّم و تأخّر خط ثلث و مُحَقَّق و اینکه به کدام خط زودتر پرداخته شده نظرهای گوناگونی وجود دارد. آرای بالای تذکره‌نویسان و وزّاقان مکتب «ابن‌مُقله» را پدیدآورنده «اقلام سته» و مُحَقَّق را یکی از قلم‌های ششگانه و از مُشتقات خط کوفی دانسته‌اند و خط مُحَقَّق را مرکز تحوّل و پیدایش قلم‌های دیگر، چون ریحان و دانسته و آن را پدر اقلام نامیده‌اند. به‌دلیل شباهت‌های بسیار نزدیک این سه خط در آثار مکتوب قرآنی، در بسیاری از موارد خط «مُحَقَّق» را ریحان و در مواردی ثلث و یا هر دو (مُحَقَّق و ریحان) را خط ثلث نامیده‌اند.

بررسی تفاوت‌ها و تشابهات خط مُحَقَّق با دو خط ریحان و ثلث و برتری آن هدف اصلی مقاله پیش‌روست و پرسش‌های آن به ترتیب زیر است: ۱. ویژگی اصلی خط مُحَقَّق چگونه است؟ ۲. عامل تأثیر و تجلی خط مُحَقَّق بر دو خط ریحان و ثلث چیست؟



تصویر ۱. اولین قرآن با خط مُحَقَّق به سال (۵۵۵ هجری) در ایران کتابت شد. بدون رقم، سوره الفلق، به سبک و سیاق (رسم الاملاء). مأخذ: لینگز، ۱۹۷۶: ۶۰.



تصویر ۲. کتابت قرآن کریم با خط مُحَقَّق به سال ۱۳۶۶ ش، کاتب سیدمحمد احصایی (معاصر ایران سوره الاحزاب (آیه ۷۲، ۷۳) به سبک و سیاق رسم المصحف/ عثمان طه کاتب قرآن کریم معاصر. مأخذ: نگارندگان.

پیشینه تحقیق

در مورد کتابت قرآن کریم با خط مُحَقَّق، ریحان و ثلث به فاصله سه قرن (نیمه قرن ششم تا نهم هجری) پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که برخی از آنها در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقالات علمی نشر یافته است، از جمله: کتاب کلک قدسی (سیری در کتابت کلام الله مجید از آغاز تا امروز) نوشته سیدکمال حاج سید جوادی (۱۳۷۹)، مُصحف روشن (معرفی برخی از نسخه‌های قرآن درموزه‌های شیراز، قرن هفتم تا نهم هجری) نوشته مهدی صحراگرد (۱۳۷۸)، کتیبه‌های یادمانی فارس (بناهای قرن هفتم تا دهم هجری) نوشته محمد صادق میرزابالوقاسمی (۱۳۷۹)، خوشنویسی اسلامی (آنه

روش تحقیق

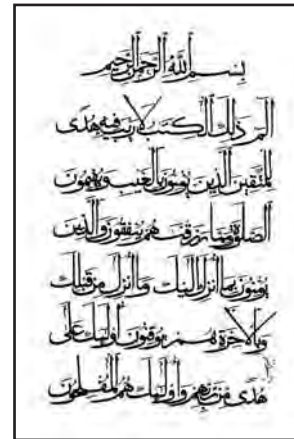
در این مقاله ویژگی‌های هنری و قواعد حاکم بر سه خط مُحَقَّق، ریحان و ثلث با روش تاریخی-توصیفی نوشته شده است روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای گردآوری کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی صورت پذیرفته است. در این پژوهش با توجه به تشابهات و تأثیر مُحَقَّق بر دو خط ریحان و ثلث و با دو رسم الخط رسم الاملاء و رسم المصحف طبقه‌بندی و ارائه شده است. جامعه آماری این پژوهش نسخ خطی قرآن کریم با خطوط محقق، ریحان و ثلث است و تعداد نمونه مورد تحقیق سه نسخه قرآن کریم است.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَنْفُسِ جَسَداً



وَلَيْسَ أَصْحَابُ النَّارِ فِيهَا خَالِدِينَ

تصویر ۳. کتابت قرآن کریم با خط محقق به سال ۱۳۶۶ ش، کاتب سیدمحمد احصائی (معاصر) ایران، سوره البقره (آیه ۷۲ و ۷۳) به سبک و سیاق رسم المصحف / عثمان طه کاتب قرآن کریم معاصر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. کتابت قرآن کریم با خط محقق به سال ۱۳۶۶ ش، کاتب سیدمحمد احصائی (معاصر) ایران، سوره البقره (آیه ۷۲ و ۷۳) به سبک و سیاق رسم المصحف / عثمان طه کاتب قرآن کریم معاصر. مأخذ: نگارندگان.

ماری شیمل) ترجمه اسدالله آزاد (۱۳۶۸)، پژوهشی در خوشنویسی کاتبان بزرگ قرآن کریم، نوشته محمد مهدی هراتی (۱۳۹۲)، آئینه مآثر (گزیده‌های از آثار گنجینه مرکز دائرةالمعارف انسان‌شناسی و مؤسسه تحقیقاتی تاریخ تمدن شرق، نوشته محمدصادق محفوظی و محمدتقی هاشمیان (۱۳۸۷)، گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، موزه ملی ایران (۱۳۷۵)، هنر قلم (تحول و تنوع در خوشنویسی اسلامی) گردآوری ناصرخلیلی (۱۳۸۰)، هنر خط و تذهیب قرآنی، نوشته مارتین لینگز، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی (۱۳۷۷)، خوشنویسی اسلامی (مجموعه آثار هنر اسلامی ۶، نوشته حمید سفاقی، ترجمه مهناز شایسته‌فر (۱۳۸۱)، شاهکارهای خطاطی اسلامی، نوشته عبدالکریم خطیبی، محمد سجلماسی، ترجمه مژگان جایز، محمدرضا عبدالعلی (۱۳۹۲)، اصطلاحات خوشنویسی در شعر شاعران بزرگ ایران، گردآوری آزاده محمودی (۱۳۸۷)، زرافشان (فرهنگ اصطلاحات و ترکیبات خوشنویسی و کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی در شعر فارسی)، نوشته حمیدرضا قلیچ‌خانی (۱۳۹۲)، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، نوشته حمیدرضا قلیچ‌خانی (۱۳۹۲). در زمینه شناخت و ابعاد کتابت قرآن با خط‌های محقق، ریحان و ثلث در ایران نیز مطالعات فراوانی صورت گرفته است اما هیچیک به نحوه کتابت، تفاوت‌ها و تشابهات از نظر شکلی و قیاسی نپرداخته‌اند. مقاله پیش رو در پی جبران خلأ موجود در زمینه کتابت قرآن با خط محقق است.

تنوع هنر شریف خوشنویسی در کتابت قرآن کریم شریف‌ترین هنر بصری در جهان اسلام هنر خوشنویسی و خطاطی است (بورکه‌هات، ۱۳۶۹: ۲-۷). خوشنویسی با حروف و کلمات ارتباط دارد. حروف و کلمات با معانی

و مفاهیم پیوند دارند و معانی و مفاهیم نیز با حقیقت گره خورده است؛ ثانیاً خط مهم‌ترین و کامل‌ترین ابزار انتقال حقایق، معانی، اشارات و رموز است. هنری که ارتباط آن با رموز و حقایق بیشتر است خوش نگاشتن آن نیز تابع شرف و فضیلت محتواست؛ ثالثاً این هنر اصالتاً از دین ریشه گرفته و در خدمت معنویت و دین استمرار پیدا کرده است. صورت فعلی خوشنویسی محصول سیر کتابت قرآن و مراحل تطور آن است. قبل از اسلام این هنر وجود نداشته و رواج و گسترش آن نیز در پرتو کتابت قرآن بوده است. این هنر اصیل‌ترین هنر اسلامی است که همواره در خدمت معنویت و معنا بوده است و به تعبیر برخی از محققان خط هیچ‌گاه مبتدل نبوده و نشده است و هیچ‌گاه به خدمت طاغوت درنیامده است (مظلومی، ۱۳۶۶: ۶۳). خوشنویسی که در ساحت زمین بازتاب تحریر کلام پروردگار بر لوح محفوظ است، سرچشمه هنرهای تجسمی به حساب می‌آید» (نصر، ۱۳۸۱: ۳۹). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «الخط الحسن یزید الحق وضحا» (نهج‌الفصاحه ۱۳۶۶: ۴۷۶). کار دنیا و دین با دو عامل فیصله پیدا می‌کند ۱. شمشیر ۲. قلم که مرتبه شمشیر فرود قلم است و دانش‌ها نیز به دلالت شناخته می‌شود و با سه شکل ۱. اشاره و علامت ۲. لفظ ۳. خط (خوشنویسی، خطاطی کتابت) در واقع، واژه خوشنویسی در مقابل خطاط و کاتب نشسته و فارسی است اما در کل «علم خط» عبارت است از معرفت تصویر الفاظ به حروف هجا و کیفیت ترکیب و احوالی که به اعتبار کتابت بر آن جاری است. واژه‌های دیگری نظیر ۱. قلم ۲. خامه ۳. کلک در مسیر کتابت قرار دارد، کتابتی که وحی الهی با نوشتن اقرء» شروع و با «ن والقلم وما یسطرون» تداوم می‌بخشد و کتاب و کتابت قدر می‌یابد و کاتب و خطاط بر صدر



تصویر ۶. کتابت قرآن کریم با خط نسخ و رقم محمد بن مقله. مأخذ: هراتی، ۱۳۹۲: ۴۳.



تصویر ۷. کتابت قرآن کریم با خط ریحان به سال ۱۳۸۴ ش، کاتب: بهرام سالکی (معاصر) ایران سوره والفجر (آیه ۱۰-۱) به سبک و سیاق رسم المصحف / عثمان طه (سوری) کاتب قرآن کریم معاصر. مأخذ: نگارندگان.

آن از سیاهی (سواد و بیاض) به خوبی آشکار شده و از بالا و پایین و کناره‌ها به راحتی مشخص است حال چه با حروف دیگر آمده باشد، چه جداگانه و انحنای حروفی مانند «و»، «ف» و مانند آن (تخریق) چه در شروع کتابت و یا وسط و یا نهایت کلمه آمده باشد موجبات زیبایی را فراهم می‌آورد. تشخیص حالات حروفی مانند «ه»، «ع»، «غ» و امثال آن (تخریق) چه در مفردات و چه در ترکیبات به گونه‌ای است که اهل احساس و درک ضعیف نیز به وضوح و آشکار بودن آن پی ببرند. همچنین ترکیب حروفی مانند: «ن»، «ی» و مانند آن (تعریق) در پایان کلماتی نظیر «من»، «عن»، «حتی»، «الی» به یک اسلوب مشخص مرتب شده‌اند. حفظ تناسب و تساوی میان حروفی چون «ص»، «ض»، «ک»، «ط»، «ظ» (تشقیق) به صورت آشکار و صحیح و زیبا نوشته می‌شود و به‌طور کلی زیبایی همه حروف در مفردات و ترکیبات از شروع کلمه، وسط، پایین یا بالا (کرسی‌بندی) به صورت همسان (تنسیق و توفیق) سرانجام کتابت را به (ترقیق و تفریق) می‌کشاند به گونه‌ای که دنباله حروف با گرایش آزاد دست، موجب شورانگیزی و زیبایی شده و از هرگونه تداخل حروف با یکدیگر و اشتباه شدن جلوگیری کند (نک. توحیدی، ۱۳۷۹: ۶ و ۷).

معرفی اَقلام سَنَه (قلم‌های شش‌گانه)

در اواخر عصر اموی کاتبی به نام قطبیه محرر، از خط کوفی خطی را به وجود آورد که قلم جلیل و قلم طومار نامیده شد. این دو خط به صورت دُرشت و جلی نوشته می‌شد (تصویر ۲). در آغاز دولت عباسیان، خطاطی به نام ضحاک بن عجلان اضافاتی به این دو شیوه کرد و پس از او کاتب بزرگی به نام اسحاق بن حمّاد (متوفی به سال ۱۵۴ هجری) ظهور کرد و شاگردان فراوان تربیت کرد که ابراهیم بن محسن و یوسف سجزی از معروف‌ترین آن‌ها

می‌نشینند و توجه به خوشنویسی آرام آرام اوج می‌گیرد. خوشنویسی به عنوان تکلیفی برای تجلیل و عبادت به کار می‌رود و اولین کتابت قرآن کریم با خط کوفی شکل می‌گیرد و سرانجام در قرن سوم هجری خطوطی تازه به دست ایرانیان ابداع می‌شود و اقلام سَنَه (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع) به دست «محمد بن مقله بیضاوی شیرازی» ابداع می‌گردد و تازهور قلم‌هایی نظیر تعلیق، نستعلیق و شکسته‌نستعلیق همچنان قلم‌های ششگانه و در صدر آن‌ها «محقق» کاربردی اساسی برای کتابت کلام الله مجید بود و این عمل مؤمنانه والاترین و شگفت‌انگیزترین ارزش‌های فرهنگی در صدر اسلام بود. پس از قرن چهارم هجری برای کتابت قرآن کریم غالباً از خط محقق، ریحان و ثلث و در پاره‌ای از موارد خط نسخ در کنار خط کوفی استفاده می‌شد. کهن‌ترین مصحف به جا مانده به خط نسخ اثر ابن بَوَّاب است که به سال ۳۹۱ هجری در بغداد کتابت شده و در کتابخانه چستربیتی نگهداری می‌شود (جیمز، ۱۳۸۱: ۱۶) و کهن‌ترین مصحف به خط محقق نیز به سال ۵۵۵ هجری در ایران کتابت شده است (تصویر ۱). در زمان ابن بَوَّاب سه قلم رواج داشته است: ۱. قلم المصاحف جلیل محقق که منظم و مضبوط درشت‌تر از خط ریحان است ۲. خط ریحان ۳. خط ریاسی که چند شکل از حروف ثلث در آن دیده می‌شود.

از مهم‌ترین ویژگی‌های خط‌های محقق، ریحان و ثلث در کتابت قرآن کریم مطابق با روایات و دستورات اسلام قرآن کریم خواناترین وجه و دوری از نوشتن ابهام و پیچیدگی در حروف و کلمات است. از این رو آشکار بودن حروف (تحقیق) چه در نظم و چه در نثر و چه در میان حروف متصل (ترکیب) و یا حروف منفصل (مفردات) با مدّ و قصر و نیز فاصله حروف و انحنای آن است و حروفی مانند: «ح»، «خ»، «ج» و امثال آن که (تحدیق) گفته می‌شود به گونه‌ای است که سفیدی میان

خوشنویسی اسلام است. ابن مقله در عهد خلیفه عباسی المقتدر بالله به وزارت برگزیده شد (فضائلی، ۱۳۶۰: ۶۸). ابن مقله وزیر خط محقق را از خط کوفی و نسخ قدیمی بیرون کشید و آن را قاعده‌مند کرد. سپس خط ریحان را ایجاد کرد. بعد از آن خط ثلث را از خط ریحان اخذ کرده و قاعده‌مند ساخت. بعد از آن به شکل‌دادن و منزه کردن خط نسخ پرداخت. ابن مقله ۱۲ قاعده برای زیبایی خط تعیین کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی اطلاق شد. اکنون، با گذشت بیش از ۱۰۰۰ سال، اعتبار خود را حفظ کرده است. این قواعد عبارت‌اند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن. اکثر محققان، ابن مقله را اولین مبتکر و پدیدآورنده خوشنویسی اسلامی به مثابه یک هنرمند می‌دانند. پس از او ابوالحسن علی ابن هلال معروف به ابن بواب، یک قرن پس از ابن مقله، تمام خطوطی را که او پدید آورده بود تکامل کرد. سپس در قرن هفتم هجری یاقوت مستعصمی (درگذشت به سال ۶۹۸ هجری) خطاط صاحب‌نام در خط ابن بواب تحقیق و تتبع کرد.

قاعده و اصول دوازده‌گانه در خوشنویسی

ابن مقله شیرازی قواعد خوشنویسی را در رساله خط و قلم بیان کرده است. وی قواعد خط را به دودسته تقسیم کرده است:

حسن تشکیل: اندازه و بهره هر حرفی از حیث سطح و دور، بلندی و کوتاهی، باریکی و کلفتی، راستی در حالت عمودی و افقی و مایل، حرکات قلم که قاعده اصول و نسبت از آن پدید می‌آید.

حسن وضع: چگونگی پیوند دادن حروف پیوندپذیری و با هم آوردن حروف منفصل و طرز مجاورت کلمات و نظام سطرها و تناسب مدها (کشیدگی‌ها) که قواعد «ترکیب» و «کرسی» از آن‌ها پدید می‌آید. قواعد اصول در خوشنویسی یعنی حسن نگارش مفردات حروف از الف تا ی و استحکام و اعتدال آن‌ها از جهات قواعد و اصول بدین شرح است:

قوت: استفاده صحیح و به کاربردن جزئی از دم قلم بر سطح کاغذ یا همه نیروی خود در وسط و انتهای مدها و وسط دایره‌ها و سر «یا» و «ف» و «ق» و «و» و غیره. ضعف: به کاربردن جزئی از دم قلم و نیش آن در آغاز و وسط اکثر حروف و در انتهای آن که موجب نازکی می‌شود. سطح: حرکات راستی که با قلم در خط پدید می‌آید، اعم از افقی، عمودی و مایل، سطح نام دارد و چون این حالت در پایان مدهای کامل اصلی و برخی مدهای زاید و عارضی بیشتر به ظهور می‌رسد، سطح را غالباً مخصوص این نوع حرکات افقی شمرده‌اند. دور: یعنی گردش حروف که در دایره‌های معکوس و



تصویر ۷. کتابت قرآن کریم با خط محقق، خط یاقوت معتصمی مأخذ: هراتی، همان: ۸۴.

هستند در این روزگار است که صاحب الفهرست می‌گوید از قلم جلیل دوازده قلم به وجود آمد (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۹: ۸۵). این دوازده قلم عبارت‌اند از: سجات، دیباج، طومار کبیر، ثلثین صغیر، زندیر، مؤامرات، حرم، عهد، قصص، اجوبه، نصف ثقیل، ثلث کبیر و سپس اضافه می‌کند که از آن‌ها دوازده قلم دیگر استخراج شده است: سمیع، اشربه، خرفاج ثقیل، خرفاج خفیف، قلم مفتح، قلم نصف، خفیف نصف، مدور کبیر، مدور صغیر، نرجس، خفیف ثلث کبیر، رقاح.

از نوشته‌های مورخان و دانشمندان درباره خطوط پیشین چنین برمی‌آید که برخی از خطوط ویژه نوشتن نامه‌های اداری، تقاضاها و غیره از طرف مردم به پادشاهان و حکام بوده، برخی برای نگارش فرمان‌ها و دستورات حکومتی مورد استفاده قرار می‌گرفته و برخی نیز برای کتابت قرآن کریم چه با قلم درشت و چه جلی (طومار و جلیل) چه با قلم نازک‌تر مانند ثلث به کار گرفته می‌شدند. هریک از خوشنویسان و کاتبان آن روزگار به نگارش برخی از خطوط شهرت یافت مانند یوسف سجزی برادر ابراهیم سجزی صاحب قلم ریاسی، وجه النعجه در قلم جلیل، محمود بن سعدان در قلم نصف و احمد بن حفص در قلم ثلث، اما درحقیقت همه انواع خطوط که از خط کوفی استخراج شده بودند نتوانست شیوه و سبک ماندگار برای کتابت قرآن کریم پیدا کند تا اینکه در قرن سوم هجری «ابن مقله» پا به عرصه هنر خوشنویسی گذاشت.

زندگی‌نامه ابن مقله

ابن مقله، ابوعلی محمد بن علی بن حسین (حسن) بن عبدالله شیرازی (۲۲۸-۲۷۲ ق)، ادیب، خوشنویس، مبتکر و مبدع خطوط مختلف و وزیر عباسیان. ابداع و تنظیم خطوط شش‌گانه و اصول دوازده‌گانه خوشنویسی را به او نسبت می‌دهند که تحول عظیمی سیر نگارش حروف به سمت خوشنویسی هنرمندانه به شمار می‌رود و نقطه عطفی در



تصویر ۹. ترقیم با خط محقق، یاقوت معتصمی، مأخذ: کاتبان بزرگ قرآن کریم. مأخذ: هراتی، همان: ۵۹.



تصویر ۸. کتابت قرآن کریم با خط محققو یاقوت معتصمی، مأخذ: کاتبان بزرگ قرآن کریم. مأخذ: همان: ۶۳.

کامل و کوتاه در اول و آخر سطر توجه کند بنابر آنچه گذشت قاعده ترکیب در خوش‌نویسی بسیار اهمیت دارد و نیز کاری دقیق و دشوار است، خاصه در مواردی نظیر کتیبه‌نویسی و گنجاندن جمله‌ها در سطحی محدود و معین مستلزم کمال ذوق و مهارت است.

خط مُحَقَّق

خط مُحَقَّق از شیوه‌های مهم خوشنویسی اسلامی و از جمله خطوط ششگانه است که ابداع یا سامان دادن آنها را به ابن‌مقله نسبت داده‌اند. خط مُحَقَّق را پدر خطوط (عربی) گفته‌اند. از خطوط اصیل اسلامی به شمار می‌آید. خط مُحَقَّق نزدیک‌ترین خط به کوفی ساده است. در این خط اشکال حروف یکدست، یکنواخت و درشت‌اندام است که با فواصل منظم و بدون تداخل حروف است. تا آغاز دولت عباسی مردم به همان شیوه قدیم (یعنی کوفی و قلم جلیل و متفرعات آن که خطوط موزون می‌گفتند می‌نوشتند)؛ (ابن ندیم، ۱۳۸۹: ۱۴) می‌گوید: همین که خاندان هاشمی ظاهر گردید، آن خطوط به نوشتن قرآن اختصاص یافت و خطی پیدا شد که به آن عراقی می‌گفتند و این خط مُحَقَّق بود که به آن وراقی نیز گفته می‌شد. این خط رو به رواج و زیبایی گذاشت تا به دوران مأمون رسید و اصحاب و نویسندگان او به نیکو ساختن این خط پرداختند و مردم در این کار بر هم تفاخر داشتند. امروز نیز کتابت قرآن کریم با خط محقق در ایران با شایسته‌ترین وجه کتابت می‌گردد (تصویر ۳).

وجه تسمیه خط مُحَقَّق

کلمه مُحَقَّق اسم مفعول از باب حَقَّق، یَحَقِّقُ و تحقیق است. کلمه محقق در فرهنگ نفیسی به معنای سخن استوار و جامه محکم‌یافت و نام خطی از شش خطی است که ابن مقله وضع کرده است و چنانچه آشکار است معانی محکم و استوار نیز بر این خط صادق است. بسیاری از

مستقیم و در سر «ف»، «ق» و «و» و مانند آن به وجود می‌آید و حالتی است برخلاف سطح. در ایجاد دور قلم بر حسب استادی و هنر خطاط به نرمی و گرمی به گردش درمی‌آید. صعود: «صعود حقیقی» یعنی راست بالا بردن الف‌های آخر و لام وسط و کاف آخر در کلمات. «صعود مجازی» بالا برگرداندن انتهای دوایر حروف است وقتی قلم به حالت دور در گردش است. نزول: «نزول حقیقی» در الف و لام و کاف مفرد و لام کاف اول و دنباله میم مصداق پیدا می‌کند، نزول مجازی در اوایل دایره‌ها و آغاز برخی مدها و سرکج کاف و گاف و امثال آن. در صعود و نزول حقیقی باید حروف مشابه به موازات هم نوشته شوند. سواد و بیاض: رعایت و سنجش سیاهی خط و پدید آمدن آن سفیدی است که در حلقه‌های برخی حروف مانند: صاد، ضیاد، طاء، ظاء، فاء، قاف، عین، جیم، هاء و غیره پدید می‌آید. ارسال: آزاد رها کردن قلم است. در نوشتن برخی حروف مانند: راء، میم و واو مسطح، تاء و نون، قاعده ترکیب: آمیزش هم‌آهنگ و دلپذیر حروف، کلمات، جمله‌ها و سطرها با یکدیگر است به طوری که مجموعه آن‌ها از حُسن ترکیب برخوردار باشد. رعایت این اصول را در ترکیب حروف و کلمات «ترکیب جزئی» و در جمله‌ها و و سطرها «ترکیب کلی» می‌نامند. ایجاد این نظم و ترتیب و اعتدال و خوش‌ترکیبی باید در حرف و کلمه، جمله و سطر، سطور و صفحات، فواصل و سواد و بیاض، سنجش قلم با زمینه خط، حُسن مجاورت، رعایت کشیدگی‌ها و طریقه ترکیبات، گرسی، حرکات (فتحه، کسره، ضمه، جزم، تنوین) و ضوابط (تشدید، نشانه مد، قطع و وصل) تزیینات و نقطه‌گذاری مصداق یابد و سراسر خط منظره‌ای زیبا و هم‌آهنگ پیدا کند. مدها (کشیدگی‌ها) که یکی از اجزای قاعده ترکیب و از زیبایی‌های خط است خط را از خشکی عاری می‌کند و به آن تنوع و طراوت می‌بخشد. خطاط باید جاهای متناسب مد کامل، متوسط و کوتاه را (اعم از مد اصلی یا زاید) بشناسد و به کاربرد



تصویر ۱۱. دو صفحه از قرآن کریم با خط اولیه محقق، مأخذ: همان.



تصویر ۱۰. صفحه‌ای از قرآن با خط محقق مربوط به نیمه دوم قرن هفتم هجری. مأخذ: همان: ۲۳.



تصویر ۱۲. در صفحه ۸۶ کتاب کلک قدسی کتابت قرآن کریم منسوب به ابن مقفه دیده می‌شود که دال بر عدم آثار دقیق در کتابت قرآن کریم به خصوص سه خط محقق، ریحان و ثلث است. مأخذ: همان.

نویسندگان متأخر اعم از خطاط و منشی مقالات و تذکرها خط محقق و ریحان را به علت شباهتی که در میان است، نام ثلث نهاده و ثلث معرفی کرده‌اند. از جمله صاحب کتاب پیدایش خط و خطاطان که خط محقق را ثلث قدیم نام نهاده است. گرچه محقق و ریحان را به ثلث مبسوط هم می‌توان وصف کرد لکن چون اصولاً و انتساباً محقق بر ثلث مقدم است شایسته نیست که آن را با وجود نام معین نام دیگر بدهیم و ثلث مبسوط یا... بنامیم، زیرا محقق و ریحان فی نفسه خطی مستقل‌اند. به علاوه آنچه از کلمه محقق برمی‌آید، آن است که از نظر نوشتن نقصانی ندارد و حق حروف چنان‌که باید ادا می‌گردد و ابهام و اشتباه در آن راه نمی‌یابد و از لحاظ خواندن و قرائت هم جایی برای اشکال و تردید نیست (تصویر ۴؛ تصاویر ۱۶، ۱۷، ۱۸).

ویژگی‌های خط مُحَقِّق

۱. خط محقق نزدیک‌ترین خط به کوفی و معقلی (بنایی) و از اولین خطی است که از کوفی استخراج شده است.
۲. از دسته اقلام موزون نیست و مستقلاً از ناحیه و راقان عراقی که احتمال دخالت ذوق ایرانی دارد، به وجود آمده است.
۳. در آغاز دولت عباسیان و زمان مأمون این خط خود را نشان داده و ظهور یافته است.
۴. اولین خطی است که مورد تهذیب و هندسی شدن از جانب ابن مقفه قرار گرفته است. لذا از دو نظر جزو اولین اقلام محسوب می‌شود، یکی از نظر آغاز پیدایش که هم‌زمان یا مقدم بر خط موزون بوده و دیگری از لحاظ تهذیب و اصلاح ابن مقفه.

سرانجام خط مُحَقِّق

محقق که خطی شکوهمند و درشت‌اندام با فواصل منظم و بدون تداخل حروف و یکدست و یکنواخت با کمال روشنی و وضوح بود در قدیم مقیاس برای دیگر خطوط و منشأ پیدایش اقلام دیگری بوده است. خطی است در نهایت

سادگی که ۵/۱ دانگ آن دور و ۵/۴ دانگ آن سطح است (یا نسبت ۲ و ۴). البته بعضی بر این عقیده هستند که دو دانگ دور و چهار دانگ سطح است، که بیشتر آن سطح است و از این رو شبیه‌ترین و نزدیک‌ترین خط به کوفی و معقلی است. در محقق حرکات و ضوابط ظریف‌تر از خط ثلث گذاشته می‌شود و علایم تزیینی آن ساده‌تر و کمتر از ثلث است. در این خط هیچ خطی با حرف دیگر اشتباه نمی‌شود چون هر حرف شکل ثابت و معین خود را دارد. دسته الف‌ها از سایر خطوط بلندتر دیده می‌شود و با ترویس، یعنی بر ابتدای سر آن‌ها به اندازه نقطه‌ای سرک گذاشته می‌شود، و سنگینی کلمات بیشتر در یک سطر بدون تأخیر در مرکز ثقل قرار می‌گیرد. در این خط حرکات قلم به نرمی نیست و اکثر احساس خشکی در آن می‌شود از این رو آن را به یابس تعبیر کرده‌اند، قلم در آن به کندی حرکت می‌کند و قط قلم در محقق بایستی کاملاً مُحَرَّف باشد. خط محقق در زمان عباسیان شهرت یافت و در نوشتن قرآن به کار می‌رفته لکن شیوع و رواج آن از دوره خطاطی ابن بَوَّاب بوده است، که بیشتر مصاحف و قطعات برجسته اشعار را با آن می‌نوشته‌اند، و این سنت



تصویر ۱۴. صفحه‌ای از قرآن کریم کتابت‌شده در شیراز را نشان می‌دهد با ترجمه فارسی که متن کتابت با خط محقق به سفارش ملک خاتون صورت گرفته بین سال‌های ۷۳۷ تا ۷۵۹ هجری، مأخذ: همان: ۴۶.



تصویر ۱۳. کتابت قرآن کریم: سوره‌های علق، قدر و بینه با رسم الخط رسم الاملاء دیده می‌شود که هیچ مشخصه‌ای از نوع خط ذکر نشده است، مأخذ: همان: ۴۳.

قرآن‌های بسیار از دوران‌های گذشته به این خط دیده شد که هم اکنون در مجموعه‌ها و موزه‌ها نگهداری می‌شود. قرآن‌های بسیار از دوران گذشته به این خط دیده شد که هم اکنون در مجموعه‌ها و موزه‌ها نگهداری می‌شود. خط ریحان که در طی سال‌هایی بعد از محقق پیدا شده متفرع از آن است که از زمان ابن‌بواب رو به ترقی و رواج گذارد و پیوسته رو به تکامل بود تا به زمان یاقوت و شاگردان او رسید تا قرن دهم و یازدهم مُحَقَّق و ریحان در ممالک اسلامی در نوشتن مصاحف به کار می‌رفته است و از آن پس به تدریج از رواج آن کاسته شد تا امروز که نویسنده آن کمیاب و طالبانش نایاب شده‌اند. این دو خط از کمال وضوح و زیبایی به قدر کفایت بهره ور بوده و نوع ریحانی آن بر بسیاری خطوط برتری دارد. ریحانی گرچه عمرش از محقق درازتر شد اما به اندازه ثلث دوام نکرد، قرآن‌ها سابقاً برای خوانا بودن با محقق و ریحانی نوشته می‌شدند، بعدها ریحانی هم برای نوشتن مطالب کوتاه و نوشته‌های تجملی منحصر گشت (تصویر ۵).

درباره ریحان چنین گفته‌اند: ریحان، نازبو، و هر گیاه خوشبویی، و اطراف و شاخ گیاه خوشبویی و برگ آن و یکی از خطوط ششگانه ابن‌مقله، و فرزندی، و رزق و رحمت و راحت، گفته‌اند قلم ریحان را از آن جهت ریحان گویند که رنگ و بوی ریحان دارد و به حقیقت اسمی با مُسَمّی است زیرا که این خط در ظرافت و لطافت و در بساطت به‌مثابه گل و برگ زیبا و خوشبویی است که بیننده را شاد و منبسط می‌دارد (تصویر ۶). نسبت ریحان به محقق همچون نسبت قلم حواشی به نسخ است و وضع حروف ریحان درست بر مثال محقق است جز اینکه در ریحان نازکی و ظرافت ملازم گشته است و به تمام عرض قلم نگاشته می‌گردد. ریحان به ثلث شباهت دارد، اما دقت فرق آن‌ها را آشکار می‌سازد. در این خط کاسه‌ها مرتب‌تر و گشادتر، قوس‌ها از ثلث کمتر

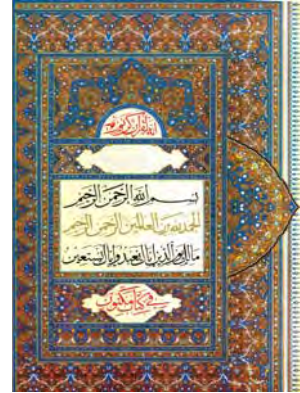
تا قرن یازدهم رواج داشت که در نوشتن مصاحف و گاهی دعا به کار می‌رفته است. از آن پس به تدریج از رواج آن کاسته شد تا امروز که نویسنده و طالب آن کمیاب شده است به طوری که فقط برای تفتن و تنوع نگاشته می‌شود. شاید علت آن کندی در نوشتن آن است چون این خط از نظر زیبایی و وضوح از بسیاری اقلام دیگر بهتر بود به خصوص خط ریحانی. به مناسبت شباهت بعضی حروف محقق به ثلث کم‌کم محقق از رواج افتاد و جای خود را به ثلث و ریحانی داد. نخستین قرآن با خط محقق به سال ۵۵۵ هجری در ایران کتابت شده است.

وجه تسمیه خط ریحان

خط ریحان نام شیوه‌ای از خوشنویسی به خط عربی و فارسی است. خط ریحان مشتق از خط محقق و خطی است ظریف و کوچک‌اندام و تمام ویژگی‌های خط محقق را دارد ولی ظریف‌تر است و به همین جهت آن را به گل و برگ و ریحان تشبیه کرده‌اند. این خط برای سهولت در نگارش ابداع شده است. ریحان: نوع ظریف‌تری از محقق است که از آن استخراج شده و رواج یافته است. خلوت و جلوت‌های مناسب و بجا و ریتم‌های متعادل و موزون در این خط موج می‌زند. قرآن‌ها سابقاً برای خوانا بودن با محقق و ریحانی نوشته می‌شدند ولی بعدها ریحانی برای نوشتن مطالب کوتاه و نوشته‌های تجملی منحصر شد. ریحان خود نیز از محقق مشتق شده است. در نام‌گذاری بیشتر به آمیخته محقق و ثلث شناخته می‌شوند. خط ریحان فرع محقق و مشتق از آن است. خطی ظریف و خرد است که برای روانی و سهولت بیشتر ابداع شده و روش محقق را در خلاصه‌نویسی و ریزتر نشان می‌دهد، لذا خط ریحان تمام خصوصیات محقق را با اندام خردتر داراست و به واسطه ظرافت و لطافتی که دارد آن را به گل و برگ ریحان تشبیه کرده ریحان و ریحانی نامیده‌اند.



تصویر ۱۶. کتابت قرآن کریم با خط مُحَقَّق، خط سیدمحمد احصائی (معاصر). سوره الفاتحه به سبک و سیاق رسم المصحف / عثمان طه (سوری). مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۵. صفحه‌ای از کتابت قرآن کریم به خط ثلث در سدهٔ دهم هجری، به شیوهٔ رسم الاملاء، این سند خط ثلث را در عهد ناپختگی نشان می‌دهد. نوع کتابت تأثیر خط ریحان بر ثلث را نشان می‌دهد و از تجلی خط محقق نیز بهره‌ای دارد. مأخذ: همان: ۴۸.

است. الف‌های کشیده و بلند و دوایر نسبتاً کم‌عمق و باز از خصوصیات این خط است. در خط ثلث کلمات گاهی مجزا و گاه خیلی تو در تو و سوار بر یکدیگر نوشته می‌شوند که به این علت گاهی خوانایی آن کم می‌شود. این خط از لحاظ ظاهری بی‌شبهات به خط محقق نیست با این تفاوت که در این خط برخلاف محقق دور حروف بیشتر و اندازهٔ آنها کوچک‌تر است. در ثلث، حروف و کلمات درشت ولی جمع‌وجورتر از محقق بوده و حلقه‌ها و گره‌ها باز و در برخی موارد بسته می‌گردند. این خط با وجود برخی شباهت‌ها با خطوط محقق و نسخ و توقیع، در مفردات و مرکبات، با آنها تفاوت‌هایی دارد از جمله در طول الف، قَط قلم، دور و سطح، مَدَات (کشش‌ها) و نحوهٔ پیوستگی و ارتباط کلمات با یکدیگر ثلث از خطوط مستدیر (دارای حرکت منحنی) و از لحاظ قواعد و اصول، از دشوارترین و کامل‌ترین خطوط اسلامی است. ریتمی که در اثر تکرار ضربه‌های عمودی و بلند حروف در این خط ایجاد می‌شود القاکنندهٔ قدرت عظمت و بزرگی است. انتهای حروف، منتهی به دنباله‌ها و رشته‌های باریک و نازکی (تشمیرات) است که به شکل پیچیده یا رها شده (ارسال)، یا به صورت قوس‌ها و دایره‌های گود هستند. نسبت دور یا حرکت‌های منحنی به سطح یا حرکت‌های مستقیم، دو به یک و نسبت قَط (برش مورب) قلم به منظور ایجاد تشمیرات، در حد تحریف و میل کامل است (قَط محرف = بین ۳۵ یا ۴۵ درجه)، هرچند برخی قَط آن را متوسط (بین ۱۵ تا ۲۵ درجه) دانسته‌اند. تزئینات و حروف خفیفه، به‌منظور یکنواخت کردن خط و زمینه، برقراری نسبت میان سیاهی خط و سفیدی داخل حلقه‌های حروف (تعادل سواد و بیاض) و آراستن حروف و کلمات به نحو بارزی به کار می‌روند. برای گذاشتن اعراب، از قلمی ظریف‌تر (قلم حرکت)، که اندازهٔ آن ۱/۳ یا ۱/۴ قلم ثلث است استفاده می‌شود؛ با این حال برای گذاشتن فتحه و گاه

و چشم‌ها بازتر است. الف در محقق راست و کلفت و در ریحانی راست و باریک دیده می‌شود. اندازهٔ الف در خط ریحان کوتاه‌تر است (تصویر ۶).

خط ثلث

دربارۀ نخستین واضع خط ثلث اتفاق نظر وجود ندارد. رساله‌های مختلف غالباً ابن مقله بیضاوی شیرازی (درگذشتهٔ ۲۲۸) و گاه ابن بواب (درگذشتهٔ ۴۱۳) یا یاقوت مُستعصمی (درگذشتهٔ ۶۹۸) را واضع خط ثلث معرفی کرده‌اند. این ابهام امروزه نیز در میان محققان باقی است، ولی بیشتر بر این باورند که ابن مقله نخستین کسی است که خطوط شش‌گانهٔ اسلامی را قاعده‌مند کرد و در تکامل اولیهٔ این خطوط و به‌ویژه ثلث، تأثیر بسزایی داشته است و پس از وی ابن بَوَّاب و یاقوت مُستعصمی بیشترین سهم را در منزه کردن و تکامل این خط به‌خود اختصاص داده‌اند. یاقوت به‌ویژه تأثیر بسیاری در تکامل این خط داشته است. به‌ویژه پس از او بود که خط ثلث به عنوان خطی تزئینی و شایسته کتیبه‌نگاری تبدیل شد و در این زمینه گوی سبقت را از خط کوفی ربود (تصویر ۷). یاقوت مستعصمی را به عنوان بزرگ‌ترین خوشنویس خط ثلث ستوده‌اند. ثلث‌نویسان و کتیبه‌نگاران را دنبال کردند. دورهٔ شکوفایی خط ثلث در ایران، پس از عصر صفوی بنا به دلایلی مانند رونق خط نستعلیق و هرج و مرج‌های بزرگ صفوی و عثمانی، این خط راه خوشنویسان بغداد و به‌ویژه یاقوت طولانی سیاسی و اجتماعی سیر نزولی یافت آنچنانکه تا پایان عصر قاجار فقط یک ثلث‌نویس برجسته (محمدباقر شریف شیرازی) مجال ظهور یافت. اما در عثمانی اهمیت خط ثلث سیر صعودی داشت و آن دیار به‌تدریج به کانون ثلث‌نویسی مبدل گشت. شیوه‌های رایج ثلث در این نواحی، به‌رغم برخی تفاوتها، همان شیوه‌های دورهٔ صفوی و عثمانی



تصویر ۱۸. کتابت قرآن کریم با خط ثلث خط مصطفی راقم، مأخذ: کاتبان بزرگ قرآن کریم، احمد نجفی زنجانی.



تصویر ۱۷. کتابت قرآن کریم با خط ریحان به سال ۱۲۸۴ ش، کاتب: بهرام سالکی (معاصر) ایران سوره الفاتحه به سبک و سیاق رسم المصحف / عثمان طه (سوری). مأخذ: نگارندگان.

قرآن که کاتب آن نامعلوم است رسم الخط حاکم بر خط محقق است که به شیوه رسم الاملاء (کتابت با الف) و در اعراب شیوه رسم المصحف (کتابت بدون الف) و ذکر این نکته در کتابت قرآن کریم در دوره‌های تاریخی از یک رسم الخط واحد تبعیت نمی‌کرده و خوشنویسی واحدی نیز در وفادار بودن به یک قلم خاص وجود نداشته است. به طور مثال قوانین حاکم بر خط محقق در سایر خطوط نمایان می‌شده که این امر یکی از ادله‌های مهم تجلی خط محقق بر دو خط ریحان و ثلث است.

(تصویر ۱۱) دو صفحه از قرآن کریم را با خط اولیه محقق نشان می‌دهد که در کتاب کَلک قدسی در صفحه ۹۲ نوع خط را خط کوفی و نسخ معرفی می‌کند، اگر چه سرسوره‌ها خط کوفی است اما متن سوره انعام (قسمتی از اول آیه ۱۱۱) خطی نامرغوب از جنس خط محقق است و این امر نیز حکایت از مهاجرت خط محقق در بدو امر و ادامه را تکامل دارد.

ضمه و تنوین، قلم اصلی به کار می‌رود. درباره به کار رفتن نام ثلث به معنی یک‌سوم برای این روش از خوشنویسی، دلایل گوناگونی آورده‌اند. یکی از دلایل ذکر شده داشتن ۱/۳ سطح (خطوط مستقیم) و ۲/۳ دور (خطوط منحنی) در شکل حروف و کلمات آن است. برخی معتقدند این نامگذاری برای آن بوده که اندازه سر قلم ثلث، یک سوم اندازه قلم طومار است. قلم درشت طومار که مخصوص نوشتن طومارها و نامه‌ها بود به نوعی قلم معیار به‌شمار می‌آمد. بر اساس نظری دیگر، این نامگذاری به سبب ارتباط میان خط ثلث با ریحان یا محقق است (تصویر ۸ و ۹).

تحلیلی تصویری از کتابت قرآن کریم با سه خط: محقق، ریحان و ثلث و سه نابغه خوشنویس صدر اسلام (تصویر ۱۰) صفحه‌ای از قرآن با خط محقق مربوط به نیمه دوم قرن هفتم هجری که در صفحه ۹۴ کتاب کَلک قدسی گردآوری سیدکمال حاج سیدجوادی نوع خط کوفی و ثلث ایرانی معرفی شده است. از نکات قابل توجه در این

نتیجه

خط محقق مستقیماً از خط کوفی ایرانی گرفته شده و بر اساس اسناد مکتوب و مضبوط و قرآن‌های به جامانده می‌توان اثبات کرد که ابن مقله ابتدا به تهذیب و هندسی کردن این خط پرداخته و سایر خطوط را بر پایه و اساس آن قرار داده است. در هر صورت، پس از کوفی، خط محقق در مرتبه اول قرار دارد. محقق احسن خطوط و مشکل‌تر و سخت‌ترین آنها برای کتابت است. نسبت ریحان به محقق مثل نسبت قلم حوائشی به نسخ است و وضع حروف ریحان درست بر اساس حروف محقق است جز اینکه در قلم ریحان نازکی و ظرافت نیز ملزوم گشته و به تمام عرض قلم نگاشته می‌شود. محقق و ریحان بادی امر به ثلث شباهت دارد اما دقت تفاوت آنها را آشکار می‌سازد. این شباهت منجر به مهاجرت بودن خط محقق و اشتباه در جابه‌جایی نام ثلث و ریحان به‌جای محقق گردیده است. در این خط کاسه‌ها مرتب‌تر و گشادتر قوس‌ها از ثلث کمتر است. حرف الف در محقق راست و کلفت و در ریحان راست و باریک دیده می‌شود. محقق خطی شکوهمند و درشت‌اندام و با فواصل منظم و بدون تداخل، یکدست و یکنواخت، با کمال وضوح و درشتی و از خطوط اصلی و اصیل اسلامی است که در تاریخ کتابت قرآن



کریم مقیاسی برای خطوط دیگر و منشأ پیدایش اقلام دیگر بوده است. در این خط حرکت حروف نرم و سیال نیست و احساسی از خشکی در آن دیده می‌شود. از این رو آنرا یابس تعبیر کرده‌اند چرا که قلم در آن به کندی حرکت می‌کند و قَط قلم در محقق کاملاً مُحَرَّف است. خط محقق حرکات و ضوابطی ظریف‌تر از ثلث دارد و علائم تزئینی آن کمتر از ثلث است (تصاویر ۱۶ تا ۱۸). شاکله حرف الف در خط محقق به مراتب استوار و محکم‌تر و بلندتر نوشته می‌شود و در انتهای دوایر (ن، ی، ق، ل، ر، و) به صورت مد و کشیده نوشته می‌شود. هیکل و اندام و صورت ظاهری حروف خط ریحان و ثلث (چه در مفردات و چه در ترکیب) تحت تأثیر تنگاتنگ و همنشین خط محقق قرار دارد و به همین لحاظ خط محقق در دو خط ریحان و ثلث تجلی کرده است.

منابع و مأخذ

- بیانی، مهدی. ۱۳۶۳. *احوال و آثار خوشنویسان*، ج ۳. تهران: علمی
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۹. *هنر مقدس*، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش.
- تفکری، حسن. ۱۳۸۵. *رسم المصحف و شیوه علامت‌گذاری در قرآن کریم*. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- توحیدی، ابوحیان. ۱۳۷۹. *نامه بهارستان*، انتشارات مجلس شورای اسلامی
- جیمز، دیوید. ۱۳۸۱. *پس از تیمور*. ناصر خلیلی. تهران: کارنگ.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۹۰. *قرآن در زندگی و فرهنگ عامه*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خلیلی، ناصر. ۱۳۷۹. *هنر قلم*. تهران: کارنگ.
- خلیلی، ناصر. ۱۳۸۰. *کارهای استادانه*. تهران: انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- خطیبی، عبدالکبیر. ۱۳۹۳. *شاهکارهای خطاطی اسلامی تهران*: میردشتی.
- سفادی، یاسین حمید. ۱۳۸۱. *خوشنویسی اسلامی ترجمه مهناز شایسته*. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی
- شیمیل، آنه ماری. ۱۳۷۴. *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی ترجمه دکتر اسدالله آزاد*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صحراگرد، مهدی. ۱۳۸۷. *مصحف روشن*. تهران: فرهنگستان هنر.
- علیدوست، محمد. ۱۳۷۴. *قرآن‌نویسان و گزیده قرآن‌های نفیس ایرانی*. تهران: انتشارات آراد.
- فضایلی، حبیب‌الله. ۱۳۶۲. *اطلس خط*. اصفهان: مشعل.
- فضایلی، حبیب‌الله. ۱۳۸۳. *تعلیم خط*. تهران: سروش.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. ۱۳۷۳. *فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. ۱۳۷۳. *رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته*. انتشارات علمی فرهنگی.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. ۱۳۸۸. *فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. ۱۳۸۳. *درآمدی بر خوشنویسی ایرانی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. ۱۳۹۲. *زر افشان*. تهران: فرهنگ معاصر.
- لینگز، مارتین. ۱۳۷۷. *هنر خط و تذهیب قرآنی*. تهران: گروس.
- محفوظی، محمدصادق. ۱۳۸۷. *آینه مآثر*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تاریخ تمدن شرق.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق. ۱۳۸۷. *کتیبه‌های یادمانی فارس*. تهران: فرهنگستان هنر.
- مظلومی، رجبعلی. ۱۳۶۶. *روزانه‌ای به باغ بهشت*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- نصر، حسین. ۱۳۸۱. *هنر و معماری: هنرهای تجسمی، پیام روحانی خوشنویسی در اسلام*، شماره ۱۹، هراتی، محمد مهدی. ۱۳۶۷. *تجلی هنر در کتابت بسم‌الله*. مشهد: آستان قدس رضوی.

The Manifestation of MuhaqqaqScript in Rayhan and Thuluth Scripts in Transcribing the Holy Quran

Abdulreza Chareie, Ph.D.Student, Art Faculty,TarbiatModares University,Tehran,Iran.

Hassan Ali Poomand, Associate Professor,Art Faculty, TarbiatModares University, Tehran,Iran.

Recieved: 2015/5/23 Accepted: 2016/5/9



In the beginning of the 3rd century Hegira, the complexity of shapes and also reading of the Kufic script, caused a sudden development in the new calligraphic scripts. These scripts which were developed from a common origin, became known as the Six Pens (al-aqlam al-sitta) which are: Muhaqqaq, Rayhan, Thuluth, Naskh, Tawqi, Riqa.

There are different narratives about their sequence, regardless of which, they have provided the basis for the Islamic calligraphy, and prior to the invention of Taliq, Nastaliq & Shikasta Nastaliq by the Iranians from the 7th to 11th century Hegira, everything was created and written using these six scripts. However their source is the Muhaqqaq script which is known with this name for its magnificence and splendor, conspicuous letters, regular spaces, homogeneity and simplicity. Each letter of that is specifically and rigidly shaped, and is not confused with other letters. Also words are widely spaced which leads to clarity and precision. After a century, another script, «Rayhan», was created similar to Muhaqqaq, so much that it was named «Barik-e-Muhaqqaq». Like Muhaqqaq, there are some features of the Thuluth script evident in this script as well. Muhaqqaq and Rayhan look similar to the Thuluth at first glance, but obvious differences in the shape of their letters may be observed if closely examined. In Iran and other Islamic countries, these two scripts were widely used until the 11th century Hegira to transcribe Quran, partly because of their legibility. In this research, calligraphic manifestations of Muhaqqaq, Rayhan, and Thuluth scripts in transcribing the Holy Quran have been studied and the main goal is the study of the distinctions and similarities of the mentioned scripts and the superiority (manifestation) of the Muhaqqaq. The questions are as follows: 1- What is the main feature of the Muhaqqaq? 2- What is the cause of the manifestation and influence of Muhaqqaq script on Rayhan and Thuluth?

The research method is historical-descriptive, and data were collected from library research and field observations. The result indicates the influence of Muhaqqaq script on Rayhan and Thuluth, and obsolescence of the Muhaqqaq script for continuation of the research and revision of the written documents. The conclusion is that Muhaqqaq script is directly derived from the Iranian Kufic script and is rated after Kufic, and the size, shape and appearance of the letters of Rayhan and Thuluth (whether separately or joined) are highly influenced by Muhaqqaq. Therefore Muhaqqaq script has proved manifest in comparison to Rayhan and Thuluth in the transcribing the Holy Quran.

Keywords: Holy Quran, Calligraphy, Muhaqqaq, Rayhan, Thuluth .